

# سیره و سلوک علماء در زیارت و عزاداری

## سید الشهداء

□ وحید بهبهانی

تهیه و تنظیم: مریم السادات قریشی



مجلات از شیراز به نجف مخابره شد و صدق رویای شیخ آشکار گشت.<sup>(۵)</sup>

### □ چارۀ بلا

شهید دستغیب می نویسد: از مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، نقل شده است اوقاتی که در سامرا مشغول تحصیل علوم دینی بودم، اهالی سامراء به بیماری وبا و طاعون مبتلا شدند و همه روزه عده ای می مردند. روزی در منزل استادم مرحوم سید محمد فشارکی، عده ای از اهل علم جمع بودند ناگاه مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی تشریف آوردند و صحبت از بیماری وبا شد که همه در معرض خطر مرگ هستند.

مرحوم میرزا فرمود: اگر من حکمی بکنم آیا لازم است انجام شود یا نه؟ همه اهل مجلس پاسخ دادند: بلی. فرمود: من حکم می کنم که شیعیان سامرا از امروز تا ده روز همه مشغول خواندن زیارت عاشورا شوند و ثواب آن را به روح نرجس خاتون، والده ماجده حضرت حجة بن الحسن (ع) هدیه نمایند تا این بلا از آنان دور شود. اهل مجلس این حکم را به تمام شیعیان رساندند و همه مشغول خواندن زیارت عاشورا شدند. از فردای آن روز تلف شدن شیعه موقوف شد و همه روزه تنها عده ای از سنی ها می مردند به طوری که بر همه آشکار گردید. برخی از سنی ها از آشنایان شیعه خود پرسیدند: سبب این که دیگر از شما کسی تلف نمی شود چیست؟ آنان گفتند: زیارت عاشورا. آنها هم مشغول شدند و بلا از آنها بر طرف گردید.<sup>(۶)</sup>

..... بی نوشت:

۱. قصص العلماء، ص ۲۰۲.
۲. قصص العلماء، ص ۱۰۹.
۳. فواید الرضویه، ص ۶۹۵.
۴. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۳۷۷.
۵. داستانهای شگفت، ص ۲۷۳ و ۲۷۴، داستان شماره ۱۱۴.
۶. داستانهای شگفت، ص ۳۹۹ و ۴۰۱، داستان شماره ۱۴۸.

زیاد نوشتن چشمم ضعیف پیدا می کند تبرک می جویم به تراب مراقد ائمه (ع) و گاهی به مس کتابت احادیث و بحمد الله چشمم در نهایت روشنی است.<sup>(۳)</sup>

### زیارت نامه عشق

در شرح احوال مرحوم شیخ مرتضی انصاری، نواده ایشان آورده اند:

از جمله عادتش خواندن زیارت عاشورا بوده که در هر روز، دو بار صبح و عصر آن را می خواند و بر آن بسیار مواظبت می نمود. بعد از وفاتش کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسش کرد، در جواب سه مرتبه فرمود: عاشورا.<sup>(۴)</sup>

فقیه زاهد عادل، مرحوم شیخ جواد عرب، که مرجع تقلید گروهی از شیعیان عراق بوده، در شب ۲۶ ماه صفر ۱۳۳۶ ه. ق در نجف اشرف در خواب حضرت عزرائیل را می بیند.

پس از سلام از او می پرسد: از کجا می آیی؟ - از شیراز، و روح میرزا ابراهیم محلاتی را قبض کردم.

- روح او در عالم برزخ در چه حالی است؟ - در بهترین حالات و در بهترین باغ های برزخ و خداوند هزار ملک موکل او کرده است که فرمان او را می برند.

- برای چه عملی از اعمال به چنین مقامی رسیده است؟

- برای خواندن زیارت عاشورا. وقتی که آن مرحوم از خواب بیدار می شود، فردای آن شب، به منزل آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی، میرزای دوم می رود و چون خواب خود را بر میرزا نقل می کند ایشان می گیرند، سبب گریه را می پرسند می فرماید: میرزای محلاتی از دنیا رفت او استوانه فقه بود.

گفتند: شیخ خوابی دیده و واقعیت آن معلوم نیست. میرزا می فرماید: بلی خواب است اما خواب شیخ مشکور است نه خواب افراد عادی. فردای آن روز، تلگراف درگذشت میرزای

«معروف است که آقا محمد باقر معروف به وحید، زمانی که برای زیارت حرم سید الشهداء (ع) مشرف می شد، اول آستان کفش کن آن جناب را می بوسید و روی مبارک و محاسن شریف خود را بدان می مالید. پس از آن با خضوع و خشوع و رقت قلب به اندرون حرم مشرف می شد و زیارت می کرد و در مصیبت حضرت امام حسین (ع) کمال احترام را مراعات می کرد.»<sup>(۱)</sup>

### □ مرحوم آخوند، ملا آقای دربندی

در حالات این عالم جلیل القدر، که از شاگردان شریف استاد شیخ انصاری است، نوشته اند: «در اقامه مصیبت حضرت سید الشهداء (ع) اهتمامی فراوان داشت و بر آن مواظبت می نمود. در این امر به گونه ای بود که در بالای منبر از شدت گریه، غش می کرد و در روز عاشورا لباس های خود را از بدن در می آورد و پارچه ای به خود می بست و خاک به سر می ریخت و گل به بدن می مالید و با همان شکل و صورت بر منبر می رفت و روضه خوانی می کرد.»<sup>(۲)</sup>

محدث قمی (ره) می نویسد: سید نعمت الله جزایری، چون در اوایل تحصیل، قادر به تهیه چراغ برای مطالعه نبود، از نور مهتاب استفاده می کرد و در اثر کثرت و مطالعه و نوشتن چشمش ضعیف و کم نور شد. از این رو، تربت سید الشهداء و سایر ائمه (ع) را به چشم خود می کشید و از برکت آن تربت ها روشنی دیده اش افزون می گشت، محقق قمی اضافه می کند: این موضوع ابداً جای شگفتی نیست، زیرا دمیری و دیگران نقل کرده اند که: افعی وقتی کور می شود، چشمانش را به گیاهی می مالد و در اثر آن، دوباره بینا می شود. پس در صورتی که خداوند متعال در آن گیاه این خاصیت را قرار داده است، چه عجب که در تربت فرزند پیغمبر (ص) چنین اثری وجود نداشته باشد؟!

ایشان می افزاید: و این احقر نیز، هر گاه به سبب